

شماره ۱۳۳۰
تاریخ ۷۲/۲/۱۹
پیوست دارد

بیت



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
اداره کل قوانین

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۱۵۶۸۱ مورخ ۱۳۷۰/۶/۱۸ دولت در خصوص
تجدیدنظر آراء دادگاهها که در جلسه علنی روز یکشنبه
مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به
تصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون
اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست
ارسال می گردد. /

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی





جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
اداره کل قوانین

شماره ۱۳۳-۶
تاریخ ۱۹/۲/۷۲
پوست دار

بمقتضی



لایحه تجدید نظر آراء دادگاهها

ماده ۱ - آرای دادگاهها اعم از حکم یا قرار در مواردی که مطابق این قانون قابل تجدید نظر است بشرح زیر مورد رسیدگی قرار میگیرد:

ماده ۲ - مرجع بررسی نقض یا تایید احکام دادگاههای کیفری دو، کیفری یک و حقوقی دو، حقوقی یک و نظامی دو، نظامی یک همان محل میباشد و چنانچه در محل دادگاه مربوط نباشد پرونده به نزدیکترین دادگاه هم عرض ارجاع میشود.

ماده ۳ - مرجع نقض و ابرام آرای دادگاههای کیفری یک و حقوقی یک و نظامی یک و مدنی خاص و انقلاب، دیوان عالی کشور میباشد.

تبصره - در مواردیکه دادگاه حقوقی یک، یا کیفری یک یا نظامی یک به دعاوی در صلاحیت دادگاه حقوقی دو یا کیفری دو یا نظامی دو رسیدگی مینماید مرجع تجدید نظر آرای مربوطه شعبه دیگر همان دادگاه و در صورت نبودن شعبه دیگر نزدیکترین دادگاه هم عرض است.

ماده ۴ - هرگاه از رای دادگاه کیفری دو یا حقوقی دو یا نظامی دو درخواست تجدیدنظر شود، مرجع تجدیدنظر بنحو زیر عمل خواهد نمود:

۱ - اگر رای دادگاه بصورت قرار باشد و قرار نقض شود پرونده را برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار ارجاع میدهد و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی است.

۲ - اگر رای دادگاه بصورت حکم باشد در صورتیکه حکم را نقض کند باید به اصل دعوی رسیدگی و حکم مقتضی صادر نماید.

شماره ۱۳۳ - ۶
تاریخ ۱۹/۲/۷۴
پوست داسو

بسم الله

- ۲ -

۳ - در صورتیکه متهم را بیگناه بداند حکم رانقض و او را تبرئه می نماید هر چند که محکوم علیه درخواست تجدید نظر نکرده باشد و تنها دادستان یا یکی دیگر از کسانی که حق تجدید نظر خواهی دارند ، تقاضای تجدید نظر نموده باشند .

تبصره ۱ - در امور حقوقی مرجع تجدید نظر فقط نسبت به آنچه مورد درخواست تجدید نظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت از حکم که مورد درخواست تجدید نظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد .

تبصره ۲ - در احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید مگر اینکه دادستان از این جهت درخواست تجدید نظر نموده باشد .

ماده ۵ - دیوان عالی کشور در مورد احکام دادگاههای حقوقی یک و کیفری یک و نظامی یک و انقلاب و مدنی خاص بشرح زیر اقدام می نماید :

۱ - اگر رای مطابق قانون و دلائل موجود در پرونده باشد آنرا ابرام می کند .

۲ - اگر رای ، تجدید نظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون و یا نقایصی نظیر آنها که مستفمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نسازد ، دیوان عالی کشور اشتباه را رفع و رای را ابرام خواهد نمود .

۳ - هرگاه در تعیین مجازات ، اشتباهات " به ماده دیگر قانونی استناد شده ولی از این اشتباه تغییری در میزان مجازات حاصل نشده باشد حکم ابرام و ولی اخطار لازم به محکمه تالی داده خواهد شد .

مقاله

- ۳ -

مفاد این بند در مورد بند ۲ نیز اجرا می شود.

ماده ۶ - هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت ذاتی صادر شده یا برخلاف قانون صادر شده یا رعایت تشریفات مذکور ، به درجه ای اهمیت داشته باشد که رای را از اعتبار قانونی بیاندازد یا بدون توجه به دلائل یا مدافعات اصحاب دعوی یا با نقص تحقیقات صادر شده باشد، رای را نقض و به شرح زیر اقدام می نماید:

الف - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت ، جرم نباشد یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی قابل تعقیب نباشد ، دیوان عالی کشور رای را نقض بلاارجاع می نماید.

ب - اگر رای منقوض ، قرار باشد یا حکم بعلت نقص تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به همان دادگاه صادرکننده رای ، ارجاع می شود.

ج - اگر حکم به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شده باشد به دادگاهی که دیوان عالی کشور آنرا صالح می داند ارجاع و دادگاه مرجوع الیه مکلف به رسیدگی است .

د - در سایر موارد پس از نقض حکم ، پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه دیگر همان دادگاه یا دادگاه هم عرض (به تشخیص دیوان عالی کشور) ارجاع می گردد.

تبصره - هرگاه دیوان عالی کشور حکم را به علت نقص تحقیقات نقض می کند مکلف است کلیه نواقص تحقیقات را مشروحا "ذکر کند.

ماده ۷ - مرجع رسیدگی پس از نقض رای در دیوان عالی کشور بشرح زیر اقدام می نماید:

بسم الله

- ۴ -

الف - در صورت نقض قرار در دیوان عالی کشور، دادگاه مرجوع الیه باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود.

ب - در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات، دادگاه مرجوع الیه باید تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام دهد و سپس مبادرت به صدور حکم نماید.

ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه مرجوع الیه مکلف به تبعیت از نظر دیوان عالی کشور نیست و می تواند رای امراری صادر نماید. اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدیدنظر را دارد، درخواست تجدیدنظر آنرا نماید پرونده مجدداً در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار می گیرد اگر شعبه دیوان عالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می نماید والا در هیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوان عالی کشور حسب مورد مطرح می شود و در صورتیکه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت حکم نقض، و دادگاه مرجوع الیه مکلف به تبعیت از نظر هیات مذکور می باشد.

ماده ۸ - آرای زیر قابل تجدیدنظر است :

۱ - در امور مدنی :

الف - حکمی که خواسته آن از یک میلیون ریال متجاوز باشد.

ب - حکمی که مستند به اقرار خوانده در دادگاه نباشد.

ج - حکمی که مستند به رای یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبا رای آنان را قاطع دعوی قرار داده باشند، نباشد.

د - طرفین دعوی کتبا حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط نکرده باشند.

بسم الله

- ۵ -

ه - حکم راجع به متفرعات دعوی ، در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد.

۲ - در امور کیفری:

الف - اعدام

ب - حدود، قصاص نفس و اطراف

ج - دیه بیش از خمس دیه کامل

د - ضبط و مصادره اموال

ه - در صورتیکه حداکثر مجازات قانونی جرم بیش از شش ماه حبس یا شلاق یا بیش از یک میلیون ریال جزای نقدی باشد.

۳ - آراء دادگاه مدنی خاص:

الف - آراء راجع به نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر

ب - آراء راجع به نسب و وصیت و وصایت و وقف و ثلث و حبس و تولیت .

ج - حکم راجع به حجر و رفع حجر

۴ - قرارهای زیر در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوی قابل تجدیدنظر باشد:

الف - قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شود.

ب - قرار رد دعوی یا عدم استماع دعوی .

ج - قرار سقوط دعوی .

د - قرار عدم اهلیت یکی از طرفین دعوی .

تبصره - احکامی که در مرحله تجدیدنظر صادر می شود (بجز در خصوص

رای اصراری) قابل تجدید نظر مجدد نیست.

مجلس

- ۶ -

ماده ۹ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است :

۱ - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت ، درشهود ،

۲ - ادعای مخالف بودن رای با قانون .

۳ - ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای .

۴ - ادعای عدم توجه قاضی به دلائل یا مدافعات .

تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده بعمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید .

ماده ۱۰ - در موارد مذکور در ماده قبل اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند :

۱ - در مورد احکام حقوقی :

محکوم علیه یا نماینده قانونی یا قائم مقام او مانند وارث - وصی - انتقال گیرنده و بطور کلی هریک از طرفین که از رای دادگاه متضرر می شود .

۲ - در مورد احکام کیفری :

الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او

ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او از جهت براهنت متهم یا از حیث ضرر و زیان .

ج - دادستان از جهت براهنت متهم یا عدم انطباق حکم با موازین قانونی .

بسمه تعالی

- ۷ -

۳ - درمورد قرارها :

هریک از طرفین دعوی که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان ،

۴ - قاضی صادر کننده حکم چنانچه مجتهد جامع الشرایط نباشد میتواند در صورتیکه به اشتباه قانونی یا شرعی یا عدم صلاحیت خود پی ببرد درخواست نقض حکم خود را نماید.

ماده ۱۱ - مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص ساکن ایران ۲۰ روز و برای کسانی که خارج از کشور میباشند ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رای می باشد.

ماده ۱۲ - متقاضی تجدید نظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای و یا دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید.

مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آنرا ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوی و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ ، تاریخ تجدید نظرخواهی محسوب می گردد.

دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادر کننده رای ارسال نماید دفتر دادگاه صادر کننده رای در صورتیکه تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آنرا به مرجع تجدیدنظر ارسال می دارد.

تبصره ۱ - دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آنرا معین نماید.

مجلس

- ۸ -

- تبصره ۲ - هرگاه ثابت شود که بعلت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظرخواهی در مهلتهای مقرر نبوده است ، ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود.
- تبصره ۳ - متقاضی تجدیدنظر در آراء کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آراء حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آئین دادرسی مدنی خواهد بود.
- ماده ۱۳ - متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر اینکه آن جهت بعداً " حادث شده باشد که در صورت اخیر میتواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند.
- ماده ۱۴ - در صورتیکه تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقررداده شده باشد اجرای حکم تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر متوقف خواهد شد.
- ماده ۱۵ - آرای صادره از حیث قطعیت یا عدم قطعیت تابع قانون زمان صدور آنها میباشد.
- ماده ۱۶ - محکوم علیه میتواند احکام قطعیت یافته هریک از محاکم را که قابل تجدیدنظر بوده در صورتیکه دیوان عالی کشور در مقام تجدیدنظر رسیدگی نکرده باشد از تاریخ قطعیت یافتن حکم تا یکماه از دادستان کل کشور درخواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتیکه حکم را مخالف شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع میدهد . رای دادگاه در این مورد غیر قابل اعتراض و تجدیدنظر است .
- ماده ۱۷ - قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۴ و ماده ۳۵ قانون تشکیل

شماره ۱۳۳-۶
تاریخ ۱۹/۲/۷۲
پیوست

بسم الله

- ۹ -

دادگاههای کیفری یک و دو و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ و
تفسیر قانونی آن و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون
لغو می شود.

لایحه قانونی فوق مشتمل بر هفده ماده و نه تبصره در جلسه
علنی روز یکشنبه مورخ دوازدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و
هفتاد و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. ن/

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی